پیغام کوتاه رهبری به نمایندگان درباره بنزین

خط حزب‌ا... برای اولین بار، اطلاعات جدیدی از اقدامات رهبر انقلاب در مواجهه با آشوب‌های اخیر منتشر کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی khamenei.ir در بخشی از این مطلب آمده است:صبح روز یکشنبه، جلسه غیرعلنی مجلس برای تصمیم‌گیری درباره طرح سهمیه‌بندی بنزین برگزار شد. آقای لاریجانی، رئیس مجلس، در حالی به سمت بهارستان رفت که پیغامی کوتاه از رهبر انقلاب برای نمایندگان دارد: «پیرو اظهارنظر برخی از نمایندگان محترم در باب مصوبه اخیر سران قوا، لازم است به حضرات محترم نمایندگان گفته شود مقتضی است که هرگونه اقدامی درخصوص این مصوبه در مجلس در چارچوب مصوبات شورای عالی امنیت ملی باشد و از آن تخطی نشود و شرایط حساس کشور مورد توجه قرار گیرد. توفیقات آنان را از خداوند متعال خواستارم.» وقتی پیام رهبر انقلاب در مجلس خوانده شد، مجلس آرام شد.

در سالگرد «۱۶ آذر» سه فعال دانشجویی سابق از مشکلات امروز کشور و راه‌حل‌های آنها می‌گویند

دانشجوی کنشگر دوای درد امروز

فتاح غلامی
سیاسی

در آستانه روز دانشجو، روزنامه جام جم میزبان سه نفر از مسئولان سابق برخی از تشکل‌های دانشجویی بود، محمد ذوقی مسئول سیاسی پیشین بسیج دانشگاه تهران، حسین نقاشی، دبیر پیشین انجمن اسلامی دانشگاه تهران و مهدی بلوکات، دبیر پیشین اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل برای بحث و گفت‌وگو درباره موضوعات مرتبط با فعالیت‌های تشکل‌های دانشجویی دعوت شدند. در این نشست موضوعاتی از قبیل فرهنگ اعتراض، استقلال دانشگاه و دانشگاهیان در مواجهه با جریان‌های سیاسی خارج از دانشگاه و نقش و جایگاه فعالان دانشجویی در پیگیری مطالبات عدالتخواهانه به بحث گذاشته شد. این چهره‌ها در زمان حضور در دانشگاه هرکدام مسؤولیتی در قبال تشکل‌های دانشجویی با قرائت‌های سیاسی خاص خود داشتند و حتی در مرام سیاسی خود اختلاف نظرهای جدی داشتند اما با این وصف در فضای این گفت‌وگو و نشست بیشتر به اشتراکات پرداختند و از دغدغه‌های خود برای رفع مشکلات جامعه و نقش دانشجویان در پیگیری مطالبات مردمی گفتند. حرف مشترک هرکدام از این فعالان سابق دانشجویی درک شرایط جدید سیاسی و اقتصادی است که در کشور حاکم است و معتقدند برای حل معضلات باید فکری اساسی کرد.

یکی از مسائل جدی که این روزها زیاد درباره آن بحث می‌شود «حق اعتراض» مردم است و این‌که یکی از موانع موجود بر سر راه تحقق این حق، نبود «فرهنگ اعتراض» در جامعه ماست. دانشگاه‌ها به عنوان جریان پیشرو چگونه می‌توانند در فرهنگسازی و ایجاد بستر مناسب برای تحقق این حق راهگشا باشند و از سویی بخشی از انرژی‌های اعتراضی انباشت‌شده را به صورت اصولی و در چارچوب قواعد و قوانین تخلیه کنند؟

ذوقی: متاسفانه در حال حاضر در شرایط تاریخی قرار داریم و در روزهایی این حرف‌ها را می‌زنیم که مردم اعتراض دارند. بخشی از مردم به فشارهای اقتصادی و معیشتی معترضند. درباره این‌که فعالان و تشکل‌های دانشجویی چه نسبتی با اعتراضات مردمی می‌توانند برقرار کنند به چند نکته به صورت اجمالی اشاره می‌کنم. اول این‌که ما در کشور فرآیند و جایگاه برای رساندن اعتراض مردم نداریم. نیروهای انقلابی، صداوسیما و رسانه‌های حاکمیتی در این ایام یکی از حرف‌هایی که مدام تکرار می‌کنند این است که ما با اغتشاش مخالف اما با اعتراض موافقیم. خوب کسی منکر نیست که مردم ولی‌نعمتان انقلاب و نظامند اما اگر اعتراض داشته باشند در چه مسیر و کانال آرام و خیرخواهانه‌ای می‌توانند آن را اعلام کنند؟ این مهم دیده نشده و مردم حداقل به صورت عینی نمی‌توانند بگویند با چه شیوه‌ای می‌توانند اعتراض خود را مطرح کنند. بنابراین تصور می‌کنم که یکی از وظایف فعالان دانشجویی پیگیری اعتراضات مردمی و مطالبه سازوکار و فرآیند ارائه آن از دستگاه‌های حاکمیتی است. نکته دوم مربوط به خود فعالان و تشکل‌های دانشجویی است. من فهمی از رویکردها و روندهای فعالیت دانشجویی دارم و آن را عرض می‌کنم. یکی آن‌که دو اتفاقی که در فتنه سال ۸۸ رخ داد این بود که بخشی از بدنه مردم و فعالان سیاسی و دانشجویی دچار یاس سیاسی شد و البته این مساله طبیعی است و در همه جای دنیا ممکن است چنین اتفاقی رخ دهد. مساله دوم تغییر ادبیات بدنه برخی فعالان دانشجویی بعد از این رخداد بود. مثلا در بین بچه‌های انقلابی دانشجویی می‌دیدیم که ادبیات‌شان بسیار سیاسی و کلیدواژه‌هایی مثل فتنه و فتنه‌گر خیلی باب شد. این گروه از فعالان دانشجویی تا چند سال بعد از این اتفاق این موضوع را پیگیری می‌کردند که چه کسی فتنه‌گر است و چه کسی نیست. به اعتقاد من بعد از بروز این دو مساله در یك مقطع پنج ساله جنبش دانشجویی دچار رخوت و فاصله‌گیری از مردم شد. اما در دو سه سال اخیر حداقل جنبش دانشجویی انقلابی خودش را بازسازی کرده و به اعتراضات مردمی توجه نشان داده است. مانمونه‌هایی مثل هفت‌تپه، هپکو، زمین‌خواری‌های لواسان، معدن‌های آق‌قلا، صید چینی‌ها در خلیج فارس و ... را می‌توانیم مثال بزنیم که جنبش دانشجویی همصدا با مردم به میان آنها رفته و همصدا با آنها مطالبات‌شان را پیگیری می‌کند. گذشته از این در مسائل کلان کشور مثل پالرمو، اف. ای.تی.اف، برجام و ... هم جنبش دانشجویی ورود پیدا کرده است. بنابراین در این چند سال اخیر فضای مطالبه‌گری و اعتراض جنبش دانشجویی رشد پیدا کرده است. اما جریان دانشجویی باید اعتراضات مصداقی خود را به اعتراضات فرآیندی تبدیل کند.

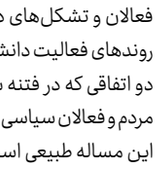

بلوکات: ما هر وقت با اعتراض یا مسائلی شبیه آشوب اخیر مواجه می‌شویم تازه به این فکر می‌افتیم که مردم چگونه باید اعتراض کنند و بعد که ماجرا فروکش می‌کند تا اعتراض بعدی سکوت اختیار می‌کنیم. من هم مثل برخی آقایان جامعه‌شناس معتقدم که مواجهه ما با این مسائل بیشتر واکنشی است تا کنشی. از این رو فکر می‌کنم که بهترین زمان برای طرح چنین مباحثی در شرایطی باید باشد که آرامش در جامعه برقرار است. در جوامع امروزی این‌گونه نیست که اعتراض همان ابتدای کار در عرصه خیابان نمود داشته باشد و منجر به تظاهرات و راهپیمایی شود که البته حق این‌گونه اعتراض هم در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. با این وصف به نظر می‌رسد که سه مرحله قبل از اعتراض هم باید مورد توجه قرار گیرد. مرحله اول طرح موضوع در رسانه‌هاست؛ یعنی در جوامع مردم‌سالاری در مرحله اول، محل نزاع را رسانه قرار داده و کارشناسان پیرامون آن موضوع در رسانه به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. دومین مرحله حل و فصل اختلاف بین لایه‌های اجتماعی و بین مردم و حاکمیت، فضای تشکل‌ها و احزاب است. طبعا جریان دانشجویی به عنوان یك نهاد مدنی در این حوزه قرار می‌گیرد. سوال اصلی اینجاست که آیا جنبش و تشکل دانشجویی به این وظیفه خود عمل می‌کنند؟ آیا اعتراضات و مطالبات و نیازهای مردم را نمایندگی می‌کنند؟ سوال دوم این‌که اگر این نمایندگی صورت نمی‌گیرد ریشه آن کجاست؟ خوانش جدی تاریخ جنبش دانشجویی نشان می‌دهد که هم در مقام پیدایش و حدوث و هم در مقام بقا و استمرار انجمن اسلامی دانشجویی خصوصا انجمن اسلامی دانشجویان تهران در قبل و بعد از انقلاب نقش‌آفرین بوده است و یك جنبش دانشجویی مسلمان را نیز نمایندگی می‌کرده است. بعد از انقلاب به نظر می‌رسد که تحت تاثیر عوامل مختلف، جریان دانشجویی و به طور خاص انجمن‌های اسلامی از مطالبات مردمی فاصله گرفته است. مطالعات و حضور در جریان‌های دانشجویی باعث تقویت این نظر در من شد که ریشه‌های فاصله گرفتن جریان‌های دانشجویی از مطالبات مردم این بود که نمایندگان ادوار این تشکل‌ها وارد جرگه مسؤولیت شدند و از طبقات متوسط مردم و پایین‌تر فاصله گرفتند و به لحاظ اقتصادی وارد طبقات بالای جامعه شدند. این البته درد جمهوری اسلامی هم هست. یکی از مشکلاتی که بعد از انقلاب و خصوصا بعد از جنگ داریم این است که بخش قابل توجهی از مسؤولان ما زیست و سبك زندگی‌شان از جنس طبقات فرودست جامعه نیست. به همین جهت کم‌کم شعار عدالت در تشکل‌های دانشجویی کمرنگ‌تر و از اولویت خارج می‌شود و مساله آزادی جایگزین آن می‌شود. بالاخره همه به آزادی اهمیت می‌دهند، حتی طبقات پایین جامعه اما مساله و دغدغه اول آنها اقتصادی و عدالت است، نه آزادی. من البته نمی‌خواهم بگویم که دغدغه‌های طبقه متوسط به بالا نباید مورد توجه قرار گیرد اما به هر صورت اکثریت جامعه ما شامل بخش متوسط به پایین می‌شود و بالاخره مدل جمهوری اسلامی مدل مالکیت سرمایه‌داران در نظام نبوده است. به هر حال تشکل‌های دانشجویی ما با مطالبات مردم فاصله می‌گیرد. حالت درشت‌نمایی شده این رویکرد را من در انتخابات ۷۶ می‌بینم. یعنی پیروزی آقای خاتمی با دال مرکزی آزادی و حمایت تشکل‌های دانشجویی به‌ویژه انجمن‌های اسلامی از ایشان و شعار آزادی حاکی از این است که مساله عدالت و مساله نمایندگی طبقات فرودست اجتماعی از اولویت کمتری برخوردار است. از آنجا به بعد این رویکرد بیشتر از سوی جنبش دانشجویی در پیش گرفته شده و متاسفانه باید بگویم که این رفتار تبدیل به یك بیماری همه‌گیر شد و بعدها دیدیم برخی از جریان‌های دانشجویی که اتفاقا شعار انقلابیگری داشتند مخصوصا بعد از دولت آقای احمدی‌نژاد همین مشکل را پیدا کردند. به همین دلیل حس و برداشت فضای عمومی در حال حاضر این نیست که تشکل‌های دانشجویی، طبقات فرودست جامعه را نمایندگی می‌کنند.

نقاشی: در صحبت‌های آقای بلوکات این نکته درست وجود داشت که معمولا وقتی اتفاقی می‌افتد به صرافت حل آن می‌افتند.

دانشگاه یك نهاد تاسیسی در فرهنگ و تمدن ما نیست و به نوعی نهادی وارداتی محسوب می‌شود. به هر حال در ساحت نظر باید پذیرفت که ماهیت دانشگاه مبتنی بر عقلانیت انتقادی است. پیامدهای پذیرش این نظر باید در دو قالب پذیرش تکثر و رواداری جلوه کند. وقتی می‌پذیریم که نهاد دانشگاه مبتنی بر عقلانیت انتقادی است در پی آن باید پذیرفت که استادان و دانشجویان به‌واسطه اتفاقاتی که در بیرون از دانشگاه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رخ می‌دهد مواجهه‌ای عقلانی و انتقادی داشته باشند. نمی‌توان پذیرفت که یك سری رویدادها در داخل و بیرون دانشگاه اتفاق بیفتد و پاسخ به حل آن مسائل صرفا با یك تئوری و نگاه باشد. ممکن است برای پاسخ به یك مساله راه‌حل‌های گوناگونی وجود داشته باشد پس پذیرش این نکته لاجرم به‌واسطه پایبندی به تکثر و رواداری است. پس به ناچار باید محیط و فضایی ساماندهی شود تا تبعیض بین پاسخ‌های متعدد به یك سوال واحد صورت نگیرد و پاسخ‌دهندگان به این سوال نباید احساس تبعیض کنند. به این معنا که از امکان، تشکل، رسانه و امکانات آزادی بیان و آزادی پس از بیان و ... در شرایط مشابه برخوردار باشند. رعایت این موارد به نظرم دانشگاه را به موقعیت مطلوب نزدیك می‌کند. بنابراین برای پاسخ به سوال شما باید به همان بازه‌ای که گفتم توجه شود. حال براساس برخی آیین‌نامه‌ها و ضوابط دانشگاهی یك‌سری از دانشجویان امکان تشکیل تشکل‌ها را ندارند اما به هر صورت به شکل جریان در بستر دانشگاه حضور دارند. بنابراین هر چقدر که امکان تکثر و رواداری در دانشگاه و بیرون از دانشگاه وجود داشته باشد امکان اعتراض مسالمت‌آمیز و مدنی و بدون خشونت فراهم خواهد بود. اگر سیاستگذاری رسمی بپذیرد که در سطوح اجتماعی افرادی وجود دارند که از آیین‌ها، رویکردها و سلایق مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند و امکان آزادانه‌ای برای تشکل‌یابی داشته باشند طبعا شرایط برای اعتراض مسالمت‌آمیز فراهم می‌شود. این‌که برابر با آیین‌نامه‌ها مطرح شود که صرفا تشکل‌ها با قیود اسلامی مجوز فعالیت دارند طبعا در دانشگاه و عرصه جامعه خواه‌ناخواه کسانی هستند که اسلامی نیستند و نه این‌که ضداسلامی باشند.

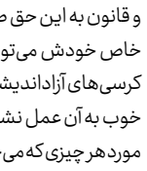

ذوقی: اصل صحبت‌های آقای نقاشی در مورد تمرین اعتراض در دانشگاه پذیرفتنی است. اما مساله هم داریم که این همه حق نیست. مثال می‌زنم؛ دوستان در دهه ۷۰ حرفشان آزادی مطبوعات بود. به جهت روان‌شناختی و سیاسی این حرف معنا دارد. وقتی مدام روی کلمه آزادی و آزادی مطبوعات تاکید می‌شود ته‌نشینی که در ذهن مخاطب خلق می‌کند این است که یعنی آزادی وجود ندارد. باید گفت که کسی بحث آزادی را مطابق با روایات دینی و سخنان رهبری و قانون اساسی نفی نکرده است. اما چرا این دوستان براساس مبانی دینی به «قول سدید» توجهی نکردند. یعنی حرف باید مبتنی بر حق باشد. مساله از نظر من چندوجهی است و باید وجوه دیگر آن را دید. حرف این است که برخی اهدافی که بعضی از جریان‌های دانشجویی پیگیری می‌کنند اساسا مساله مردم نیست. آیا انجمن‌های اسلامی نباید مطالبات عمده بخش کثیری از مردم را پیگیری کند؟

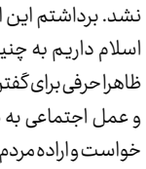

بلوکات: یك جمله معترضه می‌گویم. در مقایسه با زمان دانشجویی الان احساس می‌کنم که با گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی همدلی بیشتری احساس می‌کنم چون بعد از فراغت از دانشگاه در متن کار قرار گرفتیم و البته باید گفت که عملکرد دولت آقای روحانی هم در این روند تاثیر داشت. واقعا مساله اصلی انقلاب اسلامی و ایران و نظام برای ما اهمیت بیشتری پیدا کرده است. چون موضوعات مهمی در این زمانه مطرح است و دارای آثار نظری و معرفتی خاصی روی جریان‌های دانشگاهی و سیاسی کشور خواهد بود، چون جنس این اتفاقات با مقاطع قبلی تفاوت‌های اساسی دارد. آن چیزی را که آقای نقاشی در مورد تکثر دیدگاه‌ها مطرح کردند، می‌پذیرم. نمی‌شود چشم‌ها را روی واقعیات بست. بالاخره غیر از جریان‌ها و تشکل‌های مسلمان، کسان دیگری هم هستند که جور دیگری می‌اندیشند؛ منتهی آیا ما آنها را حذف می‌کنیم؟ عقل و قانون به این حق صحه می‌گذارد. در عین حال این حق در بستر خاص خودش می‌تواند تجلی پیدا کند. مقام معظم رهبری بحث کرسی‌های آزاداندیشی را مطرح کردند منتهی بنا به دلایل مختلف خوب به آن عمل نشد. در کرسی‌های آزاداندیشی قرار بود همه در مورد هر چیزی که می‌خواهند حرف بزنند. بالاترین ضمانت از جهت آزادی بیان و آزادی بعد از بیان هم به لحاظ امنیتی و قضایی داده شد اما چون فرهنگ‌سازی صورت نگرفت، این اتفاق جدی گرفته نشد. برداشتم این است، برخی که می‌گفتند ما حرف متفاوتی از اسلام داریم به چنین محافلی نمی‌آمدند تا حرفشان را بزنند و ظاهرا حرفی برای گفتن نداشتند. اما در حوزه نقش‌آفرینی اجتماعی و عمل اجتماعی به نظرم می‌رسد که همه نظام‌های دموکراتیك خواست و اراده مردم را برای مجوزدادن به کسانی که قصد فعالیت میدانی دارند در نظر می‌گیرند. بالاخره مردم ما یك بار به اصل جمهوری اسلامی و یك بار به قانون اساسی رای دادند. در قانون اساسی حدود و ثغور فعالیت گروه‌ها مشخص شده است؛ گروه‌هایی که می‌خواهند فعالیت اجتماعی داشته باشد باید در حدود و ثغور منافع حاکمیت و خواست مردم حرکت کنند. نکته مهم دیگر بحث اولویت‌هاست. به اعتقاد من اولویت اصلی، بخشی از هموطنان ما هستند که تحت فشار اقتصادی قرار دارند و این موضوع هم شؤونات مختلف اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. حرف من این است که تشکل‌های دانشجویی در این چند سال اگر این اولویت را مورد توجه قرار می‌دادند الان نوع مواجهه‌شان با مسائل متفاوت می‌شد. اگر اولویت‌های جامعه مثل مسائل اقتصادی مورد تاکید قرار گیرد ما شاهد وحدت نظری در بین تشکل‌های دانشجویی در پیگیری مطالبات خواهیم بود. توجه به این مسائل حتی باعث دلگرمی مردم نیز خواهد شد و آنها امیدوار می‌شوند که مطالباتشان از سوی جریان‌ها و تشکل‌های دانشجویی پیگیری می‌شود.

بهره‌گیری منفی جریان‌های سیاسی از دانشجویان

یکی از آسیب‌های جدی تشکل‌های دانشجویی تاثیرپذیری و انفعال در برابر جریان‌های خارج از دانشگاه‌ها و دولت‌ها در ادوار مختلف بوده است. با توجه به نزدیکی انتخابات و احتمال بهره‌گیری منفی این جریان‌ها از دانشگاه چه باید کرد؟

ذوقی: این موضوع همیشه مطرح بوده که برخی فعالان دانشجویی را به عنوان پیاده‌نظام جریان‌های سیاسی قلمداد می‌کنند. باید به این نکته توجه کرد کسانی که فعال دانشجویی‌اند طبعا از قدرت تحلیل برخوردارند و یك نظر سیاسی دارند. خواه‌ناخواه این نظر سیاسی به نظرات سیاسی برخی از جریان‌های خارج از دانشگاه نزدیك‌تر است. البته معتقدم جریان‌ها و تشکل‌های دانشجویی باید استقلال داشته باشند و به‌رغم قرابت فکری با برخی جریان‌های سیاسی خارج از دانشگاه باید در برخی از مواضع اختلافی نظر صریح خود را بیان کنند. این انتقاد را من به آقای نقاشی و طیف انجمن‌های اسلامی دارم و به یاد ندارم که این دوستان، دولت‌ها و جریان‌های سیاسی منتسب به خودشان را نقد کرده باشند. نکته دوم ارتباط اعضای تشکل‌های دانشجویی با ادوارشان است. کسانی که قبلا فعالیت دانشجویی داشتند و بعد از فراغت از دانشگاه مسؤولیتی پذیرفتند نباید جریان‌های دانشجویی را دستمایه اهداف حتی به حق خود کنند، چون استقلال تشکل‌های دانشجویی ارزشمندتر از اهداف دیگران است. نکته دیگر تجربه انتخاباتی است که در طول چند دهه بعد از انقلاب با راست و چپ کردن و اصولگرا و اصلاح طلب بودن نامزدها متوجه شدیم که این روش جواب نداده است. الان به نظر من بحث‌ها فراتر از این است که در این اسامی متوقف شویم. به اعتقاد من فارغ از جریان‌های سیاسی باید از فرد یا افرادی در عرصه مجلس یا دولت حمایت کرد که ایده حکمرانی و راه حل برای برطرف کردن مشکلات دارند. دیگر زمان کلی‌گویی‌ها و وعده و وعید دادن‌ها گذشته است. تشکل‌های دانشجویی باید روی این کلیدواژه متمرکز شوند و آن را به یك مطالبه عمومی تبدیل کنند. حال آیا می‌توان در ایام انتخابات به جمعی شامل اصولگرا و اصلاح طلب رسید که ایده حکمرانی دارد؟ به نظرم ما ناگزیریم به این سمت حرکت کنیم.

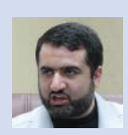

بلوکات: من پیاده‌نظام بودن صرف تشکل‌های دانشجویی در قالب جریان‌های سیاسی خارج از دانشگاه را قبول ندارم ولی پیاده‌نظام نبودن را هم نمی‌پذیرم. جابه‌جا و زمان به زمان شرایط فرق می‌کند. زمانی یك تشکلی در پیاده نظام یك جریان سیاسی بوده و در سال بعدی این روند را تغییر داده اما کلیتش این است که در خلا احزاب درست و اصیل کار سیاسی به جای این‌که در حزب انجام شود در تشکل دانشجویی انجام می‌شود. در این مساله هم فعالان دانشجویی و هم مسؤولان دانشگاهی مقصرند. البته خط قرمزی برای جریان‌های دانشگاهی برای ورود به مساله انتخابات قائل نیستم ولی این‌که حیثیتشان را پای یك فرد بگذارند اساسا قبول ندارم.

نقاشی: از زمانی که دانشگاه تاسیس شد و در پی آن شکل‌گیری فعالیت‌های دانشجویی اعم از صنفی و سیاسی بویژه بعد از شهریور ۱۳۲۰، دانشجویانی اعم از مسلمان و چپ در دانشگاه فعالیت داشتند. در آن مقطع گروه‌های چپ هژمونی قدرتمندی در دانشگاه داشتند و رفته رفته با تعالیم چهره‌های مثل شریعتی و بازرگان و طالقانی و مطهری جریان‌های اسلامی در دانشگاه رشد پیدا کرد. جریان چپ دانشگاه متاثر از گروه ۵۳ نفر و حزب توده بود. جریان مسلمان دانشگاه بعد از نهضت ملی شدن صنعت نفت تا پیروزی انقلاب هم متاثر از همان جریان روشنفکری دینی بود. زمان پیروزی انقلاب اسلامی هم گروه‌های دانشجویی مسلمان به خاطر همین تاثیرپذیری مبارزات را پیگیری کردند. بعد از انقلاب هم جریان‌های دانشجویی مثاثر از افراد و جریان‌های خارج از دانشگاه بودند و البته باید گفت این اتفاق کاملا طبیعی است چون دانشجو از ۱۹ یا ۲۰ سالگی وارد دانشگاه می‌شود در چنین سنی اساسا نمی‌شود انتظار داشت که مولد فکر باشد و قدرت تولید گفتمان داشته باشد و طبیعی است که از خارج از دانشگاه تاثیر بپذیرد. بنابراین نباید با این مساله توهم‌آلود برخورد کرد و جریان‌های دانشجویی را پیاده نظام گروه‌های سیاسی خارج از دانشگاه دانست. من آنجایی را خط قرمز می‌دانم که یك فعال تشکل دانشجویی در تشکیلات سیاسی خارج از دانشگاه عضویت پیدا کند.

دانشجو در خط مقدم عدالتخواهی

موضوع عدالتخواهی همیشه در سابقه و پیشینه تشکل‌های دانشجویی به عنوان یکی از شاخصه‌های جدی مطرح بوده است. امروز و با توجه به شرایط کشور وضعیت تشکل‌های دانشجویی را نسبت به شاخص عدالتخواهی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ذوقی: عدالت‌خواهی با اعتراض همخوانی دارد. اعتراض حتما برای پیگیری بی‌عدالتی در جامعه است. یك دانشجو با توجه به این‌که هنوز درگیر مسائل سیاسی و اقتصادی نشده حتما روحیه عدالتخواهانه دارد. البته باید دقت کرد که عدالتخواهی ابزار کنش سیاسی نشود. همچنین عدالتخواهی ابزار عقده‌گشایی‌های سیاسی نشود. ممکن است کسی با فرد دیگری مشکل شخصی داشته باشد و به اسم عدالتخواهی بخواهد او را رسوا کند. متاسفانه در شرایط کنونی در فضای جریان‌های سیاسی ما با چنین پدیده‌ای مواجه هستیم. نکته دیگر این عدالتخواهی مبانی برخی کج فهمی‌ها قرار نگیرد. به این معنا که در شرایطی که عمده مساله ما در کشور موضوع کارآمدی است بحث عدالتخواهی هم باید به سمت عدالتخواهی تخصصی حرکت کند. الان فکر می‌کنم که مساله همه گروه‌ها و جریان‌های دانشجویی اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب و اسلامی و غیر اسلامی موضوع کارآمدی است و نسبت به آن توافق نظر وجود دارد. بنابراین در حوزه کارآمدی پیگیری مطالبات هم صرفا باید بر اساس حرف کارشناسانه باشد.

نقاشی: در مورد تشکل‌های دانشجویی اصلاح طلب یا نزدیك اصلاح طلب واقعا اینگونه نبوده که مباحث معیشتی و اقتصادی و عدالت محوری مورد توجه نباشد. در حوزه عدالت محوری داخلی مثل مبارزه با تبعیض و چه در بعد خارجی آن مانند عدالتخواهی بین‌المللی، فعالان انجمن اسلامی دانشجویان همیشه واکنش نشان دادند. مثلا در بحث مقابله با سلطه در منطقه ما میزبان گروه‌های حماس بودیم. در مورد اعتراضات سال ۹۶ هم انجمن اسلامی بیانیه صادر کرده است. بنابراین نمی‌توان گفت انجمن اسلامی نسبت به این موضوع بی‌تفاوت است. اساسا بحث من این است که نمی‌توان حقوق انسان‌ها را درجه بندی کرد و یکی از آن را بر دیگر حقوق ترجیح بدهیم. از این رو نمی‌شود میان آزادی و عدالت اولویت‌بندی کرد. عدالت بدون آزادی به توتالیتاریسم و به استالینیزم ختم می‌شود و آزادی بدون عدالت هم به سرمایه‌سالاری لجام‌گسیخته می‌انجامد. بنابراین دو مقوله باید در کنار هم پیش برود.